

DOI: 10.30495/jss.2023.1987816.1563

Research Paper

The sociological Study of Social Development Challenges in East Azerbaijan Province

Parvin Ehraqi Oskooi

Ph. D. Student in Sociology of Social Issues, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Hossein Bani Fatemeh

*Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
(corresponding author). E-mail: banifatemeh@tabrizu.ac.ir*

Davood Ebrahimpour

Department of Social Sciences and Communication, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Mohammad Abbaszadeh

Department of Social Sciences, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

The aim of the present study is to identify the challenges of social development in East Azerbaijan Province. The research method is a qualitative and the grounded theory approach is used as the operational method of the research. In order to collect the required data, a semi-structured interview was used. For this purpose, 22 experts and citizens of East Azerbaijan province were interviewed. The findings of the research indicate that, the identified challenges in this province are structural challenges (with the subcategories of centralization in provincial decision-making and weakness in budget allocation), cultural and social challenges (with the subcategories of lack of cooperation and knowledge gap), management challenges (with the subcategories of incorrect appointments, incomplete application of land use findings, poor management of transitions) and finally agency-oriented challenges (with the subcategories of individualism and lack of group participation, having an authoritarian personality, narrow-mindedness in social interactions, lack of feeling of belonging to the city). In this article, the obtained central core is "social development management". This concept reflects the management issues and challenges in the development process of the East Azerbaijan province.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Lack of Participation, Anomie, Social Development, Social Challenges, Managerial Challenges.*

مطالعه جامعه‌شناختی چالش‌های توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی

پروین اشراقی اسکویی^۱

حسین بنی‌فاطمه^۲

داود ابراهیم‌پور^۳

محمد عباس‌زاده^۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۲/۴/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۱۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر شناسایی چالش‌های توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی می‌باشد. روش تحقیق حاضر کیفی بوده و از رویکرد نظریه زمینه‌ای به عنوان روش عملیاتی پژوهش استفاده شده است. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است. برای این کار، با ۲۲ نفر از متخصصان و شهروندان استان آذربایجان شرقی مصاحبه انجام شد. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که چالش‌های شناسایی شده در استان بر گیرنده مقوله‌های چالش‌های ساختاری (با زیرمقوله‌های تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌های استانی و ضعف در تخصیص بودجه)، چالش‌های فرهنگی، اجتماعی (با زیرمقوله‌های خلاء مشارکتی و شکاف دانش) و چالش‌های مدیریتی (با زیرمقوله‌های انتصاب‌های نادرست، به کارگیری یافته‌های آمایش سرزمین، مدیریت ضعیف گذارها) و در نهایت چالش‌های عاملیت‌محور (با زیرمقوله‌های فردگرایی و عدم مشارکت گروهی، برخورداری از شخصیت اقتدار-طلب، تنگ نظری در تعاملات اجتماعی، عدم احساس تعلق شهری) می‌باشند. در مقاله حاضر، هسته مرکزی به دست آمده «مدیریت توسعه اجتماعی» می‌باشد. این مفهوم انعکاس مسائل و چالش‌های مدیریتی گزارش شده در فرایند توسعه در حوزه‌های مختلف استان است. واژگان کلیدی: خلاء مشارکتی، انومی، توسعه اجتماعی، چالش اجتماعی، چالش‌های مدیریتی.

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: banifatemeh@tabrizu.ac.ir

۳. گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۴. گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه

مفهوم «توسعه» از اواسط قرن ۲۰ ذهن بسیاری از متفکران و برنامه‌ریزان را به خود مشغول کرده است. مطالعات توسعه، اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد و در حوزه‌های مختلفی همچون اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به مباحثه درباره آن پرداختند. اندیشمندانی همچون دادلی سیرز^۱، برنشتاین^۲ و پیتر دونالدسن^۳ تعاریفی از توسعه ارائه کردند که در آن به چند بعدی بودن، ارزشی بودن (تلاش برای دستیابی به آن)، ایجاد تغییرات اساسی در ساخت‌های اجتماعی و تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر، مشاهده می‌شود (۴). ضعف در وقوع توسعه اجتماعی در جامعه و هر گونه بی‌توجهی به چالش‌های احتمالی موجود در آن می‌تواند پیامدهای منفی جبران‌ناپذیری در سطوح خرد و کلان در کشور به دنبال داشته باشد. افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی همچون خشونت، جرم و جنایت، فساد در سطوح اداری و غیر اداری، فرار سرمایه‌گذاران به دلیل نبود فضای سرمایه‌گذاری و کسب و کار مناسب و مواردی از این دست می‌تواند مانع از وقوع توسعه اجتماعی در جامعه گردد. علی‌رغم ضرورت این مسئله، مروری بر مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در رابطه با چالش‌های مرتبط با توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی، تحقیقی جامع که بتواند ابعاد مختلف چالش‌های توسعه اجتماعی را مورد سنجش قرار بدهد، تاکنون صورت نگرفته است. لذا با توجه وجود خلأ پژوهشی و نبود تحقیقات مرتبط با این موضوع، این تحقیق برآن است تا با استفاده از روش کیفی این مسئله را مورد مطالعه و بررسی قرار بدهد.

یافته‌های تحقیق حاضر می‌تواند در برنامه‌ریزی و مدیریت بخش‌های مختلف با هدف تسهیل فرایند توسعه اجتماعی در استان و برون رفت از چالش‌های شناسایی شده نقش به‌سزایی داشته باشد. کشور ایران از نظر شاخص لگاتوم ۲۰۲۰ با امتیاز ۴۸/۱ در رتبه ۱۲۰ام (در میان ۱۶۷ کشور، ۹۹/۴ درصد جمعیت جهان) قرار گرفته است. یعنی پایین‌تر از کشورهای نظیر امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، عمان، عربستان سعودی، اردن، ترکیه و حتی لبنان. با نگاهی به روند شاخص لگاتوم در ده سال اخیر می‌توان دید که میزان پیشرفت در ایران چندان چشمگیر نبوده و اگر چه رتبه کشورمان طی دهه اخیر ۶ واحد ارتقا یافته، اما تغییرات امتیاز پیشرفت ایران از منظر شاخص لگاتوم گویای شرایط رکودی در هر سه قلمروی مشمول در شاخص لگاتوم (حکمرانی، اقتصادی و اجتماعی) است. رکن‌هایی که ایران در آن بیشترین امتیاز را دارد، عبارتند از سلامت، شرایط زیستی، و آموزش و از سوی دیگر در رکن‌هایی مانند شرایط کسب و کار و ... وضعیت چندان‌ی را تجربه نمی‌کنیم (۲۶). همین مسائل را می‌توان در سطحی دیگر در مورد استان‌های ایران مورد توجه قرار داد. به این معنا که ضعف در حکمرانی خوب، عدم توجه

1. Sears

2. Bernstein

3. Peter Donaldson

جدی به پیشران‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح کلان کشور، منجر به ایجاد چالش‌هایی در سطح استان‌ها و شهرها شده است. با توجه به این که عدم توجه به چالش‌ها و موانع موجود در مسیر توسعه استان امکان دستیابی به اهداف توسعه را ناممکن می‌سازند، لذا تحقیق حاضر با هدف شناسایی و احصاء موانع و چالش‌های چندگانه موجود در مسیر توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی انجام گرفته است.

هایامی^۱ تعریفی دیالکتیکی از مفهوم توسعه اجتماعی ارائه می‌کند. او توسعه اجتماعی را تکامل دیالکتیکی بین اجزای مولفه‌های نظام اجتماعی می‌داند. او اجزای نظام اجتماعی را شامل دو زیر نظام (الف) فرهنگی - ارزشی، و (ب) زیرنظام اقتصادی می‌داند که زیر نظام فرهنگی - ارزشی دارای دو جزئی فرهنگ و نهادها است که این دو جزء مولفه‌هایی مانند قوانین و نظام ارزشی را در بر می‌گیرد. زیر نظام اقتصادی دارای دو بعد فن‌آوری و منابع است. در نتیجه اجزای نظام اجتماعی عبارتند از نهادها، فرهنگ، فناوری و منابع که دارای ارتباط متقابل و دیالکتیکی با هم هستند و از این طریق جامعه را به تکامل و توسعه مواجهه می‌گردانند (۴).

اندیشمندان و نظریه‌پردازان در زمینه توسعه و مشخصاً توسعه اجتماعی دیدگاه‌ها و نظریه‌های متعددی ارائه نموده‌اند که در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. میجلی^۲ از صاحب‌نظران توسعه، توسعه اجتماعی را به منزله فرایند برنامه‌ریزی شده تغییر اجتماعی معرفی می‌کند که به منظور بهبود رفاه کل جمعیت جامعه به همراه فرایند پویای توسعه اقتصادی شکل می‌گیرد. هدف توسعه اجتماعی در بستر رفاه اجتماعی مدرن، تولید و افزایش بهزیستی جامعه ست به گونه‌ای که مردم را در مورد تصمیم‌سازی و فعالیت در گستره ادراکی بیشتری توانمند گرداند. دفتر امور اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل، توسعه اجتماعی را معادل پیشرفت اجتماعی در زمینه‌های رفاه و کارکرد جامعه می‌داند که در بر گیرنده چالش‌ها، علاقه‌ها و چشم‌اندازهای انسانی و اجتماعی مرتبط با جامعه می‌باشد و ابعاد گوناگونی نیازهای انسانی را مدنظر قرار می‌دهد. چهار سطح توسعه اجتماعی عبارتند از: رفاه اجتماعی و ایجاد شرایط مناسب زیستی برای همه انسان‌ها، دسترسی همگانی و بدون تبعیض به خدمات و تامین اجتماعی، باز توزیع درآمدها و دارایی‌های جامعه میان افراد، اصلاح روابط اجتماعی و ساختارهای اجتماعی (۱۸). یکی دیگر از متفکران مطرح در این حوزه آمارتیا سن^۳ است. وی تحقق توسعه را در «حقوق‌مداری» و «مشارکت‌محوری» می‌داند. برای سن، توسعه از آن جا و در آن جا آغاز می‌شود که به حقوق اساسی فرد و جامعه اعتنا شود و در فرایندهای توسعه، فرد و جامعه کنشگرانی فعال باشند. بر طبق نظریه سن، توسعه مستلزم حذف موانع آزادی است. به عبارت دیگر، توسعه مستلزم گسترش و دوام آزادی است. این موانع آزادی یا ناآزادی‌ها شامل فقر، استبداد، فرصت‌های اقتصادی محدود، محرومیت‌های نظام دار اجتماعی، به فراموشی سپردن

1. Hayami

2. Midgley

3. Amartya Kumar Sen

خدمات عمومی، عدم تساهل و فعالیت‌های بازدارنده، وجود دولت‌های دخالت‌گر می‌باشد (۲۸). دادلی سیرز^۱، رئیس موسسه اطلاعات توسعه‌ای دانشگاه ساسکس در ۱۹۶۹، توسعه را جریانی چندبعدی معرفی می‌نماید که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی- اجتماعی را به همراه دارد. به اعتقاد او توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت ملی نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای مردم است (۵). در همین راستا می‌توان به گزارش‌های ادواری سازمان ملل اشاره نمود. در این گزارش‌ها به ندرت به وضعیت اجتماعی و توسعه اجتماعی اشاره شده است، ولی با این حال توانسته‌اند بدون آن که تعریف مشخصی داشته باشند، در مقابل توسعه اقتصادی را به عنوان جایگزینی برای مفهوم ایستای «وضعیت اجتماعی» به کار ببرند.

در سال ۱۹۶۲، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل پیشنهاد تلفیق هر دو جنبه را داد و در نتیجه در سال ۱۹۶۳ موسسه «تحقیقات اجتماعی سازمان ملل متحد» با تمرکز بر «بهبود کیفیت زندگی مردم» به عنوان مسئله محوری خود تاسیس گردید (۱۹).

از مهم‌ترین مباحث در مجادلات جامعه‌شناسی در هشتاد سال گذشته مربوط به بحث درباره الگوها و مدل‌های توسعه است که ریشه‌های این مجادله را باید بیشتر در مکتب‌های جامعه‌شناسی آمریکایی جستجو نمود چرا که در مقابل دیدگاه عموماً رادیکال صاحب‌نظران اروپایی نسبت به توسعه جامعه-شناسان، هدف نظریه‌های توسعه به وجود آوردن دانشی است که به جامعه این امکان را می‌دهد تا از توان‌مندی‌های خود برای توسعه بهره ببرند. ولی تنوع مکاتب و رویکردهای نظری موجب تنوع و کثرت نظریه‌های توسعه اجتماعی شده است که در ادامه به تقسیم‌بندی دیگری که از رویکردهای توسعه ارائه شده است، اشاره می‌شود. در رویکرد مارکسیستی و در بحث توسعه اساساً بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات تاکید می‌شود. برای مثال، دونگ کیم^۲، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد، بلکه در جهت رسیدن به هدف آنان را یاری می‌رساند. نظریه‌پردازان رفاه‌گرا توسعه اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. برای مثال، از نظر وارنر، توسعه اجتماعی در فراهم کردن امکانات زندگی مردم در جامعه خلاصه می‌شود. و بر نیز در بیان اهمیت امکانات زندگی معتقد است که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و کسب تجربه‌های زندگی بهتر. در حالت کلی رفاه اجتماعی از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد کارکردگرایی برای توسعه اجتماعی حوزه‌ای خاص و وظایفی متفاوت از دیگر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قائل می‌باشد. در چارچوب رویکرد کارکردگرایی، حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی یعنی توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان چهار عنصر اساسی توسعه ملی مطرح می‌شوند. در چارچوب این رویکرد،

¹. Dudley Seers

². Dong Kim

سه موضوع درباره فرایند نیل به توسعه اجتماعی مورد بحث است. اول این که در هستی‌شناسی توسعه اجتماعی، باید وضعیت موجود اجتماع، جامعه‌ای که مورد بحث است از نظر موضوع، مبانی و نقطه عزیمت و مبدا حرکت توصیف شود. دوم این که باید وضعیت مطلوبی را که بناست به آن نایل شوند را به عنوان هدف توسعه شناسایی نمود و سوم باید مقررات و محدودیت‌ها در مسیر نیل به توسعه اجتماعی شناسایی شوند. در واقع، بر پایه رویکرد کارکردگرا، توسعه اجتماعی فرایند بازآفرینی نظام اجتماعی است. این فرایند شباهتی به فرایند تفسیر اجتماعی ندارد و نتیجه مداخله آگاهانه و تعمدی با استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور به وجود آمدن تغییرات غیر تصادفی به سمت اهداف مطلوب است. به عبارتی، توسعه اجتماعی راهبردی اجتماعی در سطح کلان است و در مقابل شیوه بیماری‌شناسی در سطح خرد در تامین اجتماعی به کار می‌رود (۱۹).

رویکرد ساختارگرا فرایند ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه‌های اهداف «ادغام اجتماعی»، انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران اجتماعی، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت توسعه اجتماعی است (۳). ادغام اجتماعی با فراهم کردن شرایط پذیرش افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی در جامعه منجر به این می‌شود که آنان با تمکین به قوانین، توانایی‌های خویش را در خدمت تولید حداکثری جامعه قرار بدهند. از طرفی، انسجام اجتماعی مانع از هم گسیختگی جامعه می‌شود. در وضعیتی که انسجام اجتماعی برقرار است، افراد و نیروهای مختلف اجتماعی در تعامل مثبت با یکدیگر هستند بدون آن که به منافع دیگران آسیب برسانند و منافع و خواسته‌های خویش را پی می‌گیرند. از سوی دیگر، پاسخگویی، قدرت حاکم بر منابع و جامعه را در مسیر اصلاح عملکردهای خویش قرار می‌دهد. این اصلاح با هدف بیشینه کردن نظام اجتماعی انجام می‌شود (۱۹).

پیشینه تجربی

مطالعات گسترده انجام گرفته در در حوزه توسعه اجتماعی نشان می‌دهد که این مفهوم به لحاظ اهمیتی که دارد، از ابعاد مختلف مورد توجه اندیشمندان و متفکران و پژوهشگران زیادی قرار گرفته است. مطالعه کیفیت توسعه اجتماعی در میان شهروندان مناطق شهری تهران نشان می‌دهد که میزان کیفیت زندگی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، توسعه اجتماعی در مناطق ۳ و ۱۸ تهران متفاوت از مناطق دیگر می‌باشد. به عبارتی، توسعه اجتماعی در برخی مناطق در شرایط متعادل‌تری نسبت مناطق دیگر قرار دارد و شهر تهران از نظر توسعه اجتماعی در وضعیت نامتعادلی می‌باشد (۱۸). مطالعه سطح توسعه اجتماعی با تاکید بر دو متغیر «سرمایه اجتماعی و کیفیت اجتماعی» در شهر تهران پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیر کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت با توسعه اجتماعی دارند. به عبارتی، با افزایش سطح کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی، سطح توسعه اجتماعی نیز در شهر تهران افزایش می‌یابد (۴). مطالعه میزان توسعه یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از مدل‌های آنالیز تاکسونومی

عددی و سلسله‌مراتبی پرداختند. نتایج تحقیق انجام شده حاکی از آن است که در بین شهرستان‌های استان اردبیل از لحاظ برخورداری تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. به طوری که شهرستان مشکین شهر بعد از شهر اردبیل در سطح اول توسعه و شهرستان خلخال در سطح توسعه قرار دارند (۲۲). مطالعه سیاست‌های اجتماعی در آفریقای جنوبی به عنوان راهی برای توسعه اجتماعی می‌پردازد تا از این طریق بر چالش‌های موجود در مسیر توسعه اجتماعی اشاره گردد. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که بین حوزه‌های مختلف ایدئولوژیکی، سیاسی و نهادی در فرایند اجرایی همپوشانی‌هایی وجود دارد. به طور کلی در ارتباط با کشورهای جنوب جهان عوامل متعددی هم‌چون اهمیت حقوق قانونی به عنوان مبنایی برای پیشبرد ادعاهای اجتماعی و اقتصادی؛ ظهور مسائل جدید اجتماعی در زمینه سطح قابل توجه اشتغال غیر رسمی و بیکاری و در نهایت، تأثیر عوامل مالی و سازمانی در شکل‌دهی سیاست اجتماعی و اجرای آن دیده شده است (۲۳). سومین نشست منطقه‌ای سازمان ملل در مورد توسعه اجتماعی به بررسی چالش‌های مهم در مسیر توسعه اجتماعی در امریکای لاتین اختصاص داشت. مقوله‌های تداوم فقر و آسیب‌پذیری در مقابل فقر، نابرابری‌های ساختاری، ناعدالتی در دستیابی به فرصت‌های آموزشی، درمانی و تغذیه‌ای، ضعف در امنیت اجتماعی، پایین بودن میزان توجه به سرمایه‌گذاری‌های انسانی از موارد احصاء شده می‌باشند (۳۱).

هم‌چنین، شورای حقوق بشر در هفتمین نشست رسمی خود به بررسی مقوله‌های نابرابری، حمایت اجتماعی و حق توسعه کشورها پرداخت. اقتصاد سیاسی توسعه و ظرفیت تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی جهانی در این نشست مورد بررسی قرار گرفتند. در ارزیابی سیاست‌های کاهش نابرابری، یک سری رویکردهای جهانی طرد کننده یا محدود کننده توسعه اجتماعی شناسایی شدند (۱۴). مطالعه راه‌ها، چالش‌ها و مشکلات موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در کشور بنگلادش انجام شد. کشور بنگلادش علی‌رغم فقر گسترده و کیفیت پایین در ارائه خدمات عمومی، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای از لحاظ شاخص مورد تایید در توسعه اجتماعی داشته است. این موارد شامل تغییراتی در هنجارهای اجتماعی و نگرش‌ها نسبت به آموزش زنان و استفاده از ابزارهای ضد بارداری می‌باشد. بیشتر این تغییرات محصول آگاهی عمومی ایجاد شده از طریق کمپین‌های جنبش اجتماعی و اعمال راهکارهای کم هزینه می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین فرایند-های هدایت شده از طریق سازمان‌های مردم نهاد و رویکردهای دیگر برای رسیدن به توسعه اجتماعی مانند حکومت محلی قوی تضاد وجود دارد (۲۰). چالش‌های توسعه اجتماعی در کشور چین مورد بررسی قرار گرفت. در میان مفهوم سازی‌های انجام شده از مدل توسعه چین و تأثیر آن بر جهان، چالش‌های داخلی در توسعه چین در ادبیات مطالعات توسعه نسبتاً مغفول مانده‌اند. آن‌ها در بررسی چالش‌های اجتماعی بر این مسئله تأکید می‌کنند که سی سال پس از اصلاحات، گرچه کشور چین از نظر ماهیت اقتدارگرا است، اما دچار چالش‌های فزاینده‌ای شده است. هم‌چنین، اصلاحات خصوصی‌سازی در بخش دولتی و گسترش اقتصاد صادرات‌محور از

اوایل دهه ۱۹۹۰ باعث اختلاف چشمگیر درآمد در کشور شده و به یک سری تغییرات اجتماعی و اقتصادی منجر گردیده است (۸).

نگاهی روش‌شناختی به مطالعه اقدام پژوهی و توسعه اجتماعی در چین با هدف ایجاد همکاری میان مردمان حاشیه‌نشین و مقامات دولتی نشان می‌دهد کارآیی روش اقدام پژوهی در این است که بتواند سرمایه‌گذاران بومی را کنار هم گرد آورده و روش‌های مقابله با موانع موجود در کاربرد تحقیقات کاربردی را مورد بررسی قرار دهند. در کشور چین با استفاده از تحقیقات اقدام پژوهی استراتژی‌های موثر برای مقابله با مشکل بیکاری کارگران زن میانسال ارائه شده است (۲۹).

در مجموع، می‌توان گفت که توسعه در فضا زمان‌های مختلف از زوایای متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. ناهمگن و نامتوازن بودن توسعه، نقش پیشران‌های توسعه اجتماعی، تاثیر سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها در وقوع توسعه، تغییرات در نگرش‌ها و هنجارهای عمومی و وقوع توسعه اجتماعی از موارد مورد بررسی شده می‌باشند. اما آن چه که از بررسی‌ها به دست می‌آید، این مسئله هست که چالش‌های مرتبط با توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی به عنوان یکی از استان‌های پیشرو در زمینه توسعه تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. با لحاظ این خلاء پژوهشی و تکیه بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری مطرح شده، این موضوع در محقق حساسیت نظری ایجاد کرده و چالش‌های موجود در مسیر توسعه اجتماعی استان آذربایجان شرقی را مورد مطالعه قرار داده است.

ابزار و روش

روش تحقیق حاضر کیفی بوده و از تحلیل مضمون استفاده شده است. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد. جامعه مورد مطالعه با توجه به قلمرو موضوعی آن شامل ۲۲ نفر از متخصصان و شهروندان شهر تبریز است. نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق به روش نمونه‌گیری هدف‌مند^۱ انتخاب شدند. به این معنا که در فرایند تحقیق تلاش شد از متخصصان و کارشناسانی که در زمینه توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی اطلاعات لازم را دارند، مصاحبه انجام بگیرد. فرایند مصاحبه تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌ها از نوار پیاده و به روش تحلیل مقایسه‌ای و مطابق با روش اشتراوس و کوربین در سه مرحله: ۱. کدگذاری باز^۲، ۲. کدگذاری محوری^۳ و ۳. کدگذاری انتخابی^۴ تجزیه و تحلیل شدند.

در تحقیق حاضر، به منظور احراز قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری) تحقیق از تکنیک‌های زیر استفاده شد: ۱. استفاده از تکنیک‌های تثلیث: نظیر استفاده از منابع تاییدگر، محققان و روش‌های متعدد در طول فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده که این امر به افزایش قابلیت اعتبار می‌انجامد.

^۱. Purposeful Sampling

^۲. Open coding

^۳. Axial coding

^۴. Selective coding

۲. تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی^۱ (نظیر نمایش و ارائه تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن‌ها به متخصصان که این امر می‌تواند به غنای قابلیت اعتبار کمک کند).
۳. تکنیک کنترل اعضا (از طریق ارائه تحلیل‌های داده‌ای و نتایج آن‌ها به پاسخگویان تا از واکنش‌های آنان در مرحله گزارش نوشته‌ها آگاهی حاصل کنند).
۴. خودبازبینی محقق^۲: در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌تواند به افزایش قابلیت اعتبار بی‌انجامد^۱).

یافته‌ها

تحقیق حاضر به منظور شناسایی چالش‌های استان آذربایجان شرقی در مسیر تحقق توسعه اجتماعی انجام گرفت. بررسی سیمای مشارکت‌کنندگان در این تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع ۲۲ مصاحبه انجام گرفته است. میانگین سنی آزمودنی‌ها ۴۳ سال بوده که با توجه به بیشترین و کمترین، بالاترین سن ۷۱ و پایین‌ترین سن ۳۰ گزارش شده است. از میان افراد مصاحبه شده، مدرک تحصیلی ۷۲ درصد پاسخگویان دکترا، ۹ درصد کارشناسی ارشد، ۱۴ درصد لیسانس، ۵ درصد فوق دیپلم گزارش شدند. بررسی دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد فرایند توسعه در استان آذربایجان شرقی با چالش‌های چندگانه مواجه می‌باشد که می‌توان آن را از ابعاد ساختاری، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی مورد ارزیابی قرار داد.

چالش سیاسی

به عنوان یک مفهوم علمی، آنومی توسط امیل دورکیم^۳ و متعاقباً از طریق نوشته‌های رابرت مرتن^۴ و سایر دانشمندان که در سنت کارکردگرایی ساختاری بودند، معرفی گردید^۹. آنومی حالتی است که در آن قواعد اجتماعی برای عاملان الزام‌آور محسوب نمی‌شود و پیروی از آن‌ها برای افراد مطلوبیتی ندارد. از نظر دورکیم، در جوامع مدرن آنومی تنها منحصر به نقش‌های اقتصادی و جهان صنعت و تجارت نیست و کل جامعه را در بر می‌گیرد. به اعتقاد دورکیم، آنومی سیاسی در سطح جامعه کل جمعیت یا توده مردم را متأثر می‌سازد. در حالی که دیگر انواع آنومی تا این حد در تمام سطوح و ابعاد، جامعه سیاسی را متأثر نمی‌کند. وی در تحلیل عناصر اصلی جامعه سیاسی به وجود دولت و شهروندان اشاره می‌کند که رابطه اصلی بین آنان قدرت می‌باشد. در این میان، وظیفه اساسی دولت مهار اراده خودخواهانه شهروندان یا توده مردم است، زیرا به تعبیر دورکیمی، دولت وجدان جمعی یا تصورات اجتماعی است و اگر نتواند این

^۱. Peer Debriefing

^۲. Self Monitoring

^۳. Émile Durkheim

^۴. Robert Merton

خواسته‌ها و فزون‌طلبی‌ها و شهوات سیری‌ناپذیر را مهار کند، نتاج آن چیزی جز آنومی نخواهد بود (۲۵). در رابطه با تاثیر آنومی بر جامعه مرتن اظهار می‌دارد که شرایط آنومیک فشارهای ویژه‌ای را بر افراد تحمیل کرده و توانایی آن‌ها را در انطباق توانایی خود با اهداف و وسایل فرهنگی موجود با مشکل روبرو می‌کند (۹). آنومی سیاسی در اجتماعات، موقعیت‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سطوح مختلفی دارد. بررسی نظرات متخصصان و خبرگان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی، آنومی سیاسی است. مفهوم «آنومی سیاسی» در این نوشتار با مفاهیمی هم‌چون بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌ها، ضعف نهادهای سیاسی، سیاست‌زدگی امور، ضعف در نهادهای تنبیهی و تشویقی، بی‌ثباتی حاصل از فعالیت گروه‌ها و نیروهای اجتماعی فاقد سازمان رسمی سیاسی، بی‌ثباتی ناشی از فقدان نهادهای مدنی و سیاسی قوی، بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. مصادیق مرتبط با مفهوم آنومی سیاسی و خرده مصادیق آن با جزئیات بیشتر در جدول (۱) ارائه شده‌اند.

پاسخگوی ۵۵ ساله می‌گوید: «وقتی می‌بینیم که در یک جامعه یک نفر رشوه گرفته و خلاف کرده، آیا ما اینو تنبیه می‌کنیم یا تشویقش می‌کنیم. یا کسی که اشتباه کرده رو تنبیه می‌کنیم یا می‌بریم می‌ذاریمش در یک پست بالاتر. وقتی می‌بینیم که در کشور فسادهای مالی آن‌چنانی هستند، چکار می‌کنیم؟»

چالش ساختاری

گوندل فرانک، پل باران و دوس سالتوس به ارائه دیدگاه‌هایی می‌پردازند که زیر عنوان «مکتب وابستگی» گرد آمد. این نظریه‌پردازان با تلفیق دو مفهوم استعمار طبقاتی و انتقال ارزش اضافی از مناطق جغرافیایی توسعه نیافته و مناطق توسعه یافته، مفهوم زنجیره روابط استعماری مرکز پیرامون را مطرح می‌سازند. آن‌ها عامل وابستگی و توسعه نیافتگی کشورها را در وابستگی آن‌ها به مرکز می‌دانند. مسئله مرکز پیرامون به صورت محدود و در روابط بین بخش مرکزی و شهرستان‌های کشور به عنوان یکی از چالش‌ها از نظر متخصصان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی شناسایی شده است (۱۶). مواردی هم-چون وابستگی استان به دیدگاه‌های مرکز محور، تمرکزگرایی در حوزه تصمیم‌گیری، تمرکزگرایی در تخصیص بودجه، بازنمایی حاشیه‌ای رسانه‌ها، احساس در حاشیه بودن و بی‌قدرتی در مسئولان و شهروندان استان از مصادیق آن می‌باشند.

چالش فرهنگی

هر فرهنگ از عناصری تشکیل می‌شود که در طول تاریخ در کنار هم رشد و تکوین می‌یابند. گاه به دلخواه و گاه به اجبار، در هر فرهنگ ارزش‌ها و هنجارها و قواعد و قوانینی وجود دارند که به سبب استمرار در طول تاریخ، اکنون جلوه‌ای طبیعی یافته‌اند. هر فرهنگ نیازمند عناصر درونی باثبات و پایداری است که آن‌ها را عناصر ثبات دهنده درونی می‌نامند و در واقع، چارچوب هر فرهنگ به شمار می‌روند. نهادهایی چون قضاوت و

آموزش، خانواده یا آیین‌هایی چون مراسم دینی، روزهای ملی، جشن‌ها، آیین‌های عزاداری، مراسم ازدواج و تدوین یا حتی پرچم، یا سخنرانی‌های سیاسی و اجتماعی و هر جلوه و نمادی که فرهنگی را از فرهنگی دیگر متمایز می‌کند، در این مقوله جای می‌گیرند. بر اثر این عناصر متمایز کننده درونی، حالا اموری به صورت بدیهی تجلی می‌کنند که علی‌الاصول بدیهی نیستند و لذا می‌توان گفت هر فرهنگ سرشتی متمایز دارد که خاص آن فرهنگ است. از جمله مباحث دیگر فرهنگی که بیشتر پاسخگویان بر آن تاکید داشتند می‌توان به بحث ساختارهای کلیشه‌ای حاکم در استان اشاره نمود. به اعتقاد پاسخگویان، بحث ساختارهای کلیشه‌ای در قالب سلطه پدرسالاری در خانواده‌ها و اختلالات روابط اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی، محدودیت در روابط اجتماعی زنان، تضاد بین نهادهای فرهنگی و فرهنگ خانواده‌ها، وجود نگرش‌های غیر تواناساز به زنان قابل مشاهده است.

پاسخگوی ۶۴ ساله می‌گوید: «ببینید که قشر مهم در جامعه خانم‌ها هستند ولی در استان ما از نظر فرهنگی یک سری محدودیت‌هایی برای اونا هست و اجازه بر آمدن، اظهارنظر کردن و اظهار وجود را به خانم‌ها نمی‌دن. خیلی از خانم‌ها هستن که حتی بیرون از خونه رو نمی‌شناسن.»

چالش اجتماعی

یکی دیگر از چالش‌های شناسایی شده بر اساس نظرات پاسخگویان ضعف سرمایه اجتماعی در استان می‌باشد. بحث سرمایه اجتماعی در سال ۱۹۱۹ توسط لیدا جی. هانیفن^۱ برای نخستین بار مطرح شد. وی یک تصویر اجمالی را از سرمایه اجتماعی ارائه داد که بیشتر متوجه ابعاد انسانی و تربیتی این واژه بود، وی در توضیح اهمیت مشارکت در تقویت حاصل کار مدرسه، مفهوم سرمایه اجتماعی را مطرح کرد و معتقد است، سرمایه اجتماعی دارای‌های غیر ملموس (حسن نیت، دوستی، همدردی، مشارکت، تعامل اجتماعی) است و در زندگی مردم موثر تلقی می‌شود (۲۵: ۱۰). بررسی پاسخ‌های متخصصان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که در میان علل و عوامل بازدارنده در فرایند توسعه اجتماعی می‌توان به چالش‌های اجتماعی هم‌چون ضعف اعتماد فردی و نهادی، پایین بودن مشارکت اجتماعی، ضعف در همکاری و همیاری‌ها، عدم انسجام بین گروهی و ... اشاره نمود.

پاسخگوی ۶۶ ساله می‌گوید: «در استان‌های دیگر این محدودیت‌ها نیست و بیشتر به صورت دموکراتیک زندگی می‌کنند. عوامل روان‌شناسی، هنجاری، تاریخی در این‌جا باعث می‌شه که توسعه شکل نگیره. تبریز دارای کوچه‌های سرد و تنگ و باریک است و این نشان می‌دهد که روابط سردی بر روابط حاکم بوده است. این باریک بودن کوچه‌ها ضعف اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهد.»

چالش مدیریتی

در جهان امروز، محیط‌های سازمانی همواره در حال تغییر هستند که این امر مدیران را با چالش‌های اساسی مواجه کرده است. مدیریت را می‌توان فرایند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل منابع (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعاتی) در جهت دستیابی به اهداف موردنظر تعریف کرد. به عبارتی، مدیریت هدایت و کنترل فعالیت‌ها به روش منظم برای رسیدن به یک هدف مشترک و تنظیم روند دستیابی به نتایج مطلوب از طریق استفاده کارآمد از منابع انسانی و مادی موجود می‌باشد (۱۵). بررسی نظرات و دیدگاه‌های نخبگان در استان آذربایجان شرقی در این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های موجود در مسیر توسعه اجتماعی در این استان، ضعف مدیریت و عدم کارایی و کارآمدی مدیران در مدیریت بهینه وضعیت موجود می‌باشد. از جمله مقوله‌های شناسایی شده در مورد ضعف مدیریت می‌توان به مواردی همچون انتصاب‌های نادرست، اقدامات نمایشی، به کارگیری ضعیف آمایش سرزمینی، نداشتن ضمانت اجرایی کافی و مدیریت ضعیف گذارها اشاره نمود.

پاسخگوی ۴۹ ساله می‌گوید: «در استان مشکل ما حکمرانی نامطلوب است. مثلاً برای بناب از آذرشهر فرماندار می‌دارن. انتصابات درست اتفاق نیافتاده.»

چالش عاملیت‌محور

توان‌مندسازی یکی از تکنیک‌های موثر برای افزایش بهره‌وری افراد و استفاده بهینه از ظرفیت و توانایی‌های فردی و گروهی آن‌ها در راستای اهداف مورد نظر می‌باشد. توان‌مندی فرایندی است که در آن از طریق توسعه و گسترش نفوذ و قابلیت افراد و تیم‌ها به بهبود و بهسازی مستمر عملکرد کمک می‌شود. توان‌مندسازی یک ابزار ضروری مدیریتی و یک راهبرد توسعه و شکوفایی در جامعه در مقیاس کلان و در سازمان‌ها در مقیاس خرد می‌باشد. برای توان‌مندسازی نیروی انسانی مراحل مختلفی وجود دارد که از مرحله تسلط افراد در تصمیم‌گیری‌ها گرفته، مرحله مشورت، مرحله مشارکت ادامه یافته و تا مرحله تفویض اختیار پیش می‌روند. بررسی نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که در میان موانع و مشکلات موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی یک سری مشکلات عاملیت‌محور شناسایی شده‌اند که در این‌جا می‌توان به مواردی همچون فردگرایی و عدم مشارکت گروهی، برخورداری از شخصیت اقتدارطلب، تنگ نظری در تعاملات اجتماعی، عدم احساس تعلق شهری و ... اشاره نمود.

پاسخگوی ۵۹ ساله می‌گوید: «ما در تعاملات خودمان تنگ نظری زیادی داریم، به ویژه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی. افرادی هستند که این‌جا نتونستن بمونن و جاهای دیگر پیشرفت خیلی زیادی کردن. بحث شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی خیلی مهم است و این نوع رفتارها در استان ما به این نوع شبکه‌ها خیلی آسیب دیده است.»

در مقاله حاضر، هسته مرکزی به دست آمده که بعد از مقوله‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها شناسایی شده به دست آمد، مفهوم «مدیریت توسعه اجتماعی» می‌باشد. مفهوم انعکاس مسائل و چالش‌های مدیریتی

گزارش شده در فرایند توسعه در حوزه‌های مختلف استان است. بیشتر پاسخگویان در مصاحبه تاکید نموده‌اند که وجود مسائلی هم‌چون مرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌ها، عدم آمایش سرزمینی، مدیریت ضعیف گذارها و مواردی از این قبیل دلیل اصلی و مرکزی بوده و مانع وقوع توسعه در استان هستند. مفاهیم ماخوذ از یافته‌های مصاحبه‌ها تداعی‌کننده زمینه‌های ضعف در مدیریت می‌باشد. در چارچوب این مفهوم و به فراخور موضوع تحقیق می‌توان خاطر نشان کرد که هر گونه آنومی و بی‌سازمانی در مدیریت توسعه در تمامی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ساختاری و ... قابل مشاهده می‌باشند (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱): نمایش فرایند کدگذاری سه‌گانه

هسته مرکزی	مفاهیم	خرده مفاهیم	گزیده‌ای از داده‌های خام متن مصاحبه
مدیریت توسعه اجتماعی	چالش سیاسی	بی‌ثباتی سیاست‌ها ضعف سیاست‌های تنبیهی و تشویقی ضعف نهادهای سیاسی	وقتی می‌بینیم که در یک جامعه یک نفر رشوه گرفته و خلاف کرده، آیا ما اینو تنبیه می‌کنیم یا تشویقش می‌کنیم. یا کسی که اشتباه کرده رو تنبیه می‌کنیم یا می‌بریم می‌ذاریمش در یک پست بالاتر. وقتی می‌بینیم که در کشور فسادهای مالی آن‌چنانی هستند، چکار می‌کنیم؟ در استان مشکل ما حکمرانی نامطلوب است. مثلاً برای بناب از آذرشهر فرماندار می‌ذارن. انتصابات درست اتفاق نیافتاده
	چالش مدیریتی	انتساب‌های نادرست ضعف در اجرای آمایش سرزمینی خطای طراحی	بی‌توجهی به شرح وظایف سازمانی تمرکزگرایی در حوزه تصمیم‌گیری تمرکزگرایی در تخصیص بودجه
	چالش ساختاری	بازنمایی حاشیه‌ای رسانه‌ها	ببینید هر تصمیمی که در مورد استان ما قرار هست گرفته شود، در تهران و مرکز گرفته می‌شود و برخی موارد اصلاً با نیازهای ما همخوانی ندارد. بودجه‌ای که به بخش‌های عمرانی و غیره هم داده می‌شوند هم در مرکز تعیین تکلیف می‌شوند و عملاً دست سیاست-گذران استان در این موارد کوتاه است.
چالش عاملیت محور	تنگ نظری در تعاملات اجتماعی	فردگرایی	ما در تعاملات خودمان تنگ نظری زیادی داریم، به ویژه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی. افرادی هستند که این جا نتونستن بمونن و جاهای دیگر پیشرفت خیلی زیادی کردن. بحث شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی خیلی مهم است و این نوع رفتارها در استان ما به این نوع شبکه‌ها خیلی آسیب دیده است.
	چالش فرهنگی	هژمونی فرهنگی بازدارنده ساختارهای کلیشه‌ای	ببینید که قشر مهم در جامعه خانم‌ها هستند ولی در استان ما از نظر فرهنگی یک سری محدودیت‌هایی برای اونا هست و اجازه برآمدن، اظهارنظر کردن و اظهار وجود را به خانم‌ها نمی‌دن. خیلی از خانم‌ها هستن که حتی بیرون از خونه رو نمی‌شناسن
	چالش اجتماعی	ضعف اعتماد اجتماعی خلأ مشارکتی شکاف دانش و تضادها	در استان‌های دیگر این محدودیت‌ها نیست و بیشتر به صورت دموکراتیک زندگی می‌کنند. عوامل روان‌شناسی، هنجاری، تاریخی در این جا باعث می‌شه که توسعه شکل نگیره. تبریز دارای کوچه‌های سرد و تنگ و باریک است و این نشان می‌دهد که روابط سردی بر روابط حاکم بوده است. این باریک بودن کوچه‌ها ضعف اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه متخصصان حوزه توسعه و شهروندان در رابطه با چالش‌های توسعه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی است. تم‌های شناسایی شده در این تحقیق در شش بعد سیاسی، ساختاری، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی شناسایی شدند. برای تبیین آنومی سیاسی می‌توان به نظریه آنومی دورکیم اشاره نمود. به اعتقاد وی، آنومی سیاسی، بر خلاف دیگر انواع آنومی، تنها به مسائل سیاسی محدود نشده و در سطح جامعه کل جمعیت یا توده مردم را متأثر می‌سازد. آنومی سیاسی در اجتماعات، موقعیت‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی سطوح مختلفی دارد. بررسی نظرات متخصصان امر توسعه در استان آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در استان، آنومی سیاسی است. در آنومی سیاسی، پاسخگویان به مواردی هم‌چون بی‌ثباتی سیاست‌ها، ضعف عملکردی نهادهای سیاسی، سیاست‌زدگی امور و ضعف سیاست‌های تنبیهی و تشویقی اشاره داشتند.

در بحث چالش‌های ساختاری، پاسخگویان به مواردی هم‌چون مرکزگرایی و آنومی سازمانی اشاره کردند. پاسخگویان تاکید داشتند که مشکلات موجود از این مسئله ناشی می‌شود که مسائل و حتی تصمیمات مربوط به حوزه‌های بومی در مرکز گرفته می‌شوند. به طوری که این فرایند باعث طولانی شدن زمان تصمیم‌گیری، هدر رفت بودجه و در نهایت نابسامانی در امور می‌شوند. چالش‌های فرهنگی شناسایی شده در این تحقیق بحث قوم‌گرایی و نقش بازدارنده ساختارهای کلیشه‌ای می‌باشند. یکی از مسائلی که از دیر باز در این استان مطرح بوده، بحث قوم‌گرایی و قوم‌ستیزی است که در نهایت به رویکردهای رادیکال‌تر هم‌چون پانترکیزم هم منجر شده است. پاسخگویان بر این باورند که همواره در ساختار قدرت نگرش قوم‌مداری نسبت به استان آذربایجان شرقی وجود داشته و این نوع نگاه مانع توجه کافی به این استان و در نتیجه ایجاد یک سری مشکلات در فرایند توسعه شده است. عدم تخصیص بودجه کافی، ممنوعیت تدریس زبان ترکی در مدارس و انتصاب مسئولان غیر بومی از جمله این نوع اقدامات بوده‌اند. تم دیگر مطرح شده در چالش‌های فرهنگی، بحث ساختارهای کلیشه‌ای است. پاسخگویان بر این باورند که سلطه پدرسالاری در خانواده‌های این استان و وجود نگرش‌های غیر تواناساز به زنان در این استان باعث می‌شوند که از نیروی زنان و پتانسیل آن‌ها در مسیر توسعه نتوان به درستی استفاده کرد.

سازمان ملل (۲۰۱۰)، در رابطه با اهمیت فرهنگ در توسعه به این مسئله تاکید دارد که فرهنگ، در همه ابعاد آن، یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه است. بر اساس رویکرد توسعه انسانی، در توسعه انسانی، بخش فرهنگ و آداب و رسوم فرهنگی یک جامعه و عقاید و باورهای مردم یک جامعه نیز متعاقباً تغییر می‌یابند. فرهنگ، از طریق میراث ملموس و نامشهود، صنایع و اشکال مختلف هنری نقش مهمی در توسعه اقتصادی، ثبات اجتماعی و حفاظت از محیط زیست دارد. فرهنگ معانی و ارزش‌هایی که در همه جنبه‌های زندگی وجود دارد، نحوه زندگی و تعامل انسان‌ها را در مقیاس‌های محلی و جهانی تعریف

می‌کند. بررسی دیدگاه پاسخگویان نشان می‌دهد که به دلیل تغییرات گسترده رخ داده در حوزه فرهنگی، بین رویکردهای مورد تاکید در نهادهای فرهنگی استان و فرهنگ خانواده‌ها شکاف زیادی وجود دارد. به این معنا، بین فرهنگ اشاعه شده در نهادهای فرهنگی با فرایند اجتماعی شدن در خانواده‌ها تشابه آن چنان دیده نمی‌شود و این منجر به یک سری ناهماهنگی‌ها می‌شود. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق محمود^۱ (۲۰۱۷)، در زمینه چالش‌ها و مشکلات موجود بر سر راه توسعه اجتماعی در کشور بنگلادش در یک راستا می‌باشد. محمود در این تحقیق نشان می‌دهد که کشور بنگلادش نیز با چالش‌های فرهنگی زیادی در مسیر توسعه مواجه بوده است. اما با استفاده از محصول آگاهی عمومی ایجاد شده از طریق کمپین‌های جنبش اجتماعی و اعمال راهکارهای کم هزینه پیشرفت‌های قبل ملاحظه‌ای در هنجارهای اجتماعی و نگرش‌ها نسبت به آموزش زنان ایجاد شده است. بررسی نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که چالش‌های اجتماعی استان آذربایجان شرقی شامل مشارکت پایین شهروندان و شکاف دانش و تضادها می‌باشد. در این راستا آمارها نشان می‌دهند که میزان مشارکت سیاسی شهروندان استان در مقایسه با میزان مشارکت سایر استان‌ها در کشور، میانگین پایین دارد (۲۹). این مسئله به عنوان یک چالش مهم در استان شناسایی شده است. به اعتقاد پاسخگویان، عدم تخصیص بودجه کافی به استان، بی‌توجهی مسئولان به خواسته‌های شهروندان برای آموزش زبان محلی، بالا بودن سطح انتظارات شهروندان این استان به دلیل همجواری آن با کشورهای همسایه در رابطه با سطح توسعه از مواردی هستند که باعث می‌شوند شهروندان با مشارکت نکردن در امور جامعه و به ویژه در امور سیاسی مخالفت خود را نشان بدهند. ضعف اعتماد فردی و نهادی در میان شهروندان و هم‌چنین مسئولان در رده‌های بالا نیز از جمله مسائل مطرح در چالش‌های اجتماعی مورد نظر پاسخگویان می‌باشد. در همین راستا می‌توان به گزارش جلسه پنجم سازمان ملل در رابطه با چالش‌های توسعه اجتماعی در منطقه آسیا اقیانوسیه اشاره نمود. سازمان ملل در دستور کار توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰، نابرابری انسانی و مالی و توزیع نابرابر منابع در کشورها را یکی از چالش‌های مهم قلمداد می‌کند (۳۰). که متأسفانه در استان آذربایجان شرقی این چالش مورد شناسایی قرار گرفته است.

در نهایت، از مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده در این استان بنا به اعتقاد پاسخگویان و متخصصان امر توسعه، بحث سوء مدیریت در بخش‌های مختلف استان می‌باشد. دخالت‌های بی‌مورد شهرداری در بخش‌های مختلف، انتصاب مدیران با تخصص‌های غیر مرتبط، ساخت و سازهای نافرجام، عدم به کارگیری آمایش سرزمینی و عدم شناخت کافی از نقاط قوت و ضعف‌های استان از جمله موارد مطرح توسط پاسخگویان می‌باشند. در کل، هسته مرکزی حاصل از نظرات و دیدگاه‌های کارشناسان موید این امر است؛ که فرایند توسعه در استان از مشکلاتی در حوزه مدیریت رنج برده و ضعف‌های موجود در

^۱. Mahmood

سازماندهی و مدیریت استان مانع پیشبرد امور گردیده است. در حوزه مدیریت و برای حل مشکل مطرح در این زمینه می‌توان از خبرگان و نخبگان استان در حوزه‌های مختلف در پست مدیریت استفاده نمود. به طوری که انتصاب مسئولان و مدیران بومی آشنا به مشکلات و مسائل استان می‌تواند روند توسعه را تسریع نماید. اتخاذ تصمیمات استانی در خود استان به منظور حذف مشکل مرکزگرایی و کاهش زمان و هزینه اختصاص داده برای آن می‌تواند بحث بومی‌گرایی را محور کار خود قرار داده و از پتانسیل‌های خود استان‌ها استفاده نماید. بالابردن ظرفیت نهادهای مدنی و مردم نهاد در استان و عدم وابستگی این نهادها به دولت و استفاده از ظرفیت و پتانسیل نهادهای مردمی در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جهت ترویج فرهنگ توسعه در قشرهای مختلف جامعه و نهادینه کردن خلیات توسعه در جامعه، شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران و کارکنان و گزینش مدیران و کارکنان متخصص و انتصاب آنان در پست‌هایی که بتوانند از تخصص خود در هموار نمودن فرایند توسعه استفاده نمایند، از موارد پیشنهادی در این تحقیق می‌باشند. در حوزه مدیریت توجه به انجام آمایش سرزمینی قوی در استان و ایجاد ضمانت‌های اجرایی قوی برای پیشبرد آن و اجرای درست سیاست‌های تشویقی و تنبیهی بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نمایانگر برابری و عدالت در میان تمامی شهروندان باشد. همان گونه که در شکل (۱) نشان داده شده است، بعد از طی سه مرحله کدگذاری این پژوهش به چنین مدلی دست یافت.



شکل شماره (۱): مدل پارادایمی تحقیق در مدیریت توسعه اجتماعی استان

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abbaszadeh, M. (2012). Reflections on Credibility and Reliability in Qualitative Research, *Journal of Applied Sociology*, Vol. 23, No. 1, Spring.
2. Ahmadi, M. (2002). *Fundamentals of Organization and Management*. Cultural Research Press.
3. Asgharpour Masouleh, A. R. & Roshanfekar, P. & Kalantari, A. (2014). *Social Development in Tehran*, Tehran: Tehran Center for Studies and Planning press.
4. Azkia, M; Zanjani, H; Seyed Mirzaei, M. & Barghomdi, H. (2014). Survey of the level of social development in Tehran, *Iranian Journal of Social Development Studies*, 6 (4), P.p: 7-21.
5. Azkia, M. & Ghaffari, G. (2001). Study of the relationship between trust and social participation in rural areas of Kashan. *Journal of Sociological Studies*, No. 17.
6. Azmi, A. (2008). Iran's social development position in line with the vision document. *Yas Rahbard Magazine*, 15, Fall.
7. Breedlove, L. William; Armer, J. M. (1997). Dependency, Techno-Economic Heritage, Disarticulation, and Social Development in Less Developed Nations, *Sociological Perspectives*, Vol. 40, issue, 4.
8. Chan, C. K. & Ho, W. (2013). Introduction to Special Series: The Challenges of Social Development in China. *Journal of Comparative Asian Development*, Vol. 12, No. 1.
9. Deflem, M. (2015). *Anomie: History of the Concept*, University of South Carolina, Columbia, SC, USA.
10. Fazeli, M; Fattahi, S. & Zanjan Rafiei, N. (2013). "Social Development, Indicators and Iran's Position in the World", *Quarterly Journal of Social and Cultural Development Studies*, Vol. 2, No. 1, Summer.
11. Fazeli, Mohammad; Fatahi, Sajjad; Zanjan Rafiei, Seyedeh Nastern. (2013). Social Development. Indicators and position of Iran in the world". *Social and Cultural Development Studies Quarterly*, Vol. 2, No. 1, P.p: 159-182.
12. Firoozabadi, E. (2010). Study of indicators and rankings of social development in the provinces of Iran and its relationship with social capital", *Social Welfare Quarterly*, Year 10, No. 37.
13. Ghouti Sefid Sangi, A; Farashiani, H. & Hassanzadeh Choukanloo, H. (2017). reflection of Social Development in the Laws of the Five Programs of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran 1987-2017. *Quarterly Journal of Social Development (Former Human Development)*, Vol. 12, No. 1, Autumn.
14. Human Rights Council. (2023). Inequality, social protection and the right to development, 3–5 April 2023, A/HRC/EMRTD/7/CRP.24.
15. Kaehler, B. & Grundei, J. (2019). *HR Governance a Theoretical Introduction*, Original version published by Springer.
16. Kaveh Pishghadam, Mohammad Kazem. (2010). The dominance of the dependency school on development strategies in the first decade of the Islamic Revolution. *Encyclopedia of Law and Politics*, No. 14, P.p: 41-53.
17. Kaldi, A. (2005). *Social Capital and Family*, Proceedings of the First Symposium on Social Capital and Social Welfare, Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences press.
18. Latifi, G. (2017). Quality of Social Development among Citizens of Urban Areas of Tehran. *Quarterly Journal of Social Order Research*, Year 9, No. 4.

19. Madani Ghahfarkhi, S. & Roshanfekar, P. (2015). *Social Development; Concepts and Measurement*, Reflection Publications.
20. Mahmud, W. (2017). *Social Development in Bangladesh: Pathways, Surprises and Challenges*, Indian Journal of Human Development, Vol. 2, No. 1, P.p: 79-92.
21. Midgely, J. (2001). *South Africa: challenges of social development, international social Welfare*, Vol. 10, P.p: 267-275 .
22. Mirbagheri, N. Masoumi, D. & Navid, B. (2014). "Assessing the development of Ardabil cities using numerical and hierarchical taxonomic analysis models, *Journal of Economics and Urban Management*", Third Year, Number. 10, Spring.
23. Plagerson, Sophie; Patel, Leila; Hochfeld, Tessa; Ulriksen S. M. (2019). *Social policy in South Africa: Navigating the route to social development*, World Development, No. 113, P.p: 1–9.
24. Pishgahi Fard, Z; Mirzadeh Koohshahi, N. & Mirzadeh Koohshahi, M. (2010). *A Study of the Role of the Iraqi Federal Constitution in Increasing Iran's Ethnic Demands (with Emphasis on Kurdistan)*. Journal of Law Enforcement Science, Vol. 12, No. 4.
25. Rajabzadeh, A. & Kowsari, M. (2002). *Political Anomie in Durkheim's Thought*. Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University, Vol. 19, No. 1.
26. Report on the status of the legatum progress index in 2010s-2020s; With an emphasis on measuring the status of Iran's progress index at the world level and the seven regions (2021). Program and budget organization of the country. Future Development Research Center.
27. Schweire, C; Fontaine, O. & Pirzade, J. (2006). *Bourdieu's words*, translated by Morteza Katabi, Tehran: Ney press.
28. Sen, A. K. (2013). *Development means freedom*, translated by Mohammad Saeed Nouri Naini, Tehran: Ney press.
29. Sung-Chan, Pauline; Yuen-Tsang, Angelina; Yadama, N. G. (2008). *Action research and social development in China: Creating synergy between marginalized populations and government officials*, Action Research, Vol. 6, No. 2, P.p: 193-212.
30. United Nations. (2018). *Key social development challenges in the Asia-Pacific region in the context of the 2030 Agenda for Sustainable Development*, Economic and Social Commission for Asia and the Pacific, Seventy-fourth session.
31. United Nations. (2019). *Third session of the Regional Conference on Social Development in Latin America and the Caribbean*, Mexico City, 1–3 October.